

مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت

عباسعلی اکبری^۱

محمود المیر^۲

حسن پورباقرانی^۳

چکیده

اصل برائت کیفری یکی از مؤلفه‌های اساسی عدالت کیفری و دادرسی عادلانه است که به موجب آن همه افراد جامعه بی‌گناه فرض می‌شوند؛ مگر اینکه اتهام آن‌ها برابر قانون، فراتر از هرگونه شک و تردید معقول در مرجع قضایی صالح احراز شود. با وجود حاکمیت فراگیر اصل برائت در امور کیفری، در موارد استثنایی از اعمال این اصل عدول می‌گردد. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که مفهوم و آثار عدول از اصل برائت کیفری چیست؟ و مبانی و چرایی تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت چیست؟ در قسمت اول پژوهش حاضر پس از تبیین مفهوم اصل برائت و اماره مجرمیت و آثار آن‌ها به این نتیجه رسیده‌ایم که در اماره مجرمیت برخلاف اصل برائت، بار اثبات اتهام معکوس گردیده، مقام تعقیب بی‌نیاز از ارائه دلایل و اثبات مجرمیت متهم است، و این به‌عهدۀ متهم است که برای رد اماره مجرمیت و اثبات بی‌گناهی خود، ارائه دلیل نماید؛ از جمله عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و پول‌شویی، لوث در جنایت، مسئولیت ناشی از فراخواندن شبانه و مشکوک دیگری از محل اقامتش، عضویت در دسته یا جمعیتی که هدف آن برهم زدن

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) (نویسنده مسئول)

a.ali_akbari@yahoo.com

dr.malmir1@gmail.com

hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

۳. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

امنیت کشور است. در قسمت دوم مقاله مهم‌ترین مبانی و دلایل عدول از اصل براءت از جمله ضرورت حفظ مصلحت و منفعت اجتماعی، ضرورت تسهیل اثبات جرائم پیچیده و خطرناک، ضرورت ایجاد تناسب و توازن بین طرفین دعوی، ضرورت توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص، اقتضای عدالت کیفری، امنیت‌گرایی در تعقیب بعضی از جرائم را تبیین و تشریح نموده‌ایم. ضمن اینکه نباید از این نکته مهم غافل بود که در راستای رعایت عدالت، حفظ نظم عمومی و حقوق افراد جامعه همچنان باید اصل براءت به‌عنوان عنصر اساسی در فرایند کیفری باقی بماند و عدول از آن و تقدیم اماره مجرمیت، امری استثنایی و فقط به‌موجب قانون قابل توجیه است.

واژگان کلیدی: اصل براءت، اماره مجرمیت، بار اثبات، تساوی سلاح‌ها، عدول از اصل براءت.



مقدمه

اصل برائت از جمله اصولی است که هم در علم اصول فقه و در حوزه شک در تکلیف مورد توجه علمای اصول قرار گرفته و هم در حقوق کیفری به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده عدالت کیفری و محکم‌ترین زیربنای امنیت اجتماعی که در حوزه فرض بی‌گناهی متهم تا زمان اثبات اتهام مطرح می‌شود، مورد توجه حقوق‌دانان کیفری و قانون‌گذاران قرار گرفته است. به موجب این اصل همه افراد جامعه بی‌گناه فرض می‌شوند؛ مگر اینکه اتهام آن‌ها به موجب قانون، فراتر از هرگونه شک و تردید معقول در مرجع قضایی صالح احراز شود. با وجود حاکمیت فراگیر اصل برائت در امور کیفری، این اصل در موارد استثنایی و بنابه مصالحی تعدیل و تحدید می‌شود.

اگرچه در حقوق موضوعه «اصل برائت» و «فرض بی‌گناهی» مترادف هم به کار می‌روند، ولی اصل برائت فقهی از فرض بی‌گناهی^۱ متمایز است. به کارگیری اصل برائت در حقوق ایران برخلاف حقوق غربی، ریشه در فقه اسلام دارد و قلمرو و اعتبار آن نسبت به فرض بی‌گناهی بیشتر است. به نحوی که اصل برائت فقهی به لحاظ جامعیت آن تمام شئون زندگی بشر از جمله امور حقوقی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی را شامل می‌شود، ولی فرض بی‌گناهی از نظر عرفی فقط در دادرسی‌های کیفری کاربرد دارد. اصل برائت با اماره و دلیل نیز متفاوت است. اماره به لحاظ حکایت و کشف از واقع، هرچند به طور ناقص، حجت است؛ در حالی که در حجت اصل، کاشفیت آن از واقع لحاظ نشده است. دلیل نیز اعم از قطعی و ظنی است؛ در حالی که اماره، تنها، دلیل ظنی است. موضوع امارات مجرمیت «وجود عنصر مادی و انتساب آن به شخص مورد نظر مانند مرتکب جرم» یا «عنصر معنوی» است. در موارد عدول از اصل برائت و استقرار اماره مجرمیت، برخی از آثار اصل برائت مخدوش یا زایل می‌شود؛ مانند تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل علیه متهم، و حق سکوت. بنابراین، فرقی‌هایی بین اصل برائت و اماره مجرمیت از نظر بار اثبات، معیار و اعتبار، گستره

۱. در حقوق ایران از عبارت «اصل» = principle استفاده می‌شود، در حالی که در حقوق کشورهای اروپایی عبارت «فرض» = presumption کاربرد دارد.

شمول و حق سکوت وجود دارد.

مسائل قابل بحث در این تحقیق این است که الف) مفهوم اصل برائت و اماره مجرمیت و آثار آن‌ها چیست؟ ب) مبانی و چرایی عدول از اصل برائت در نظام‌های حقوقی چیست؟ با اینکه پژوهش‌های علمی زیادی در خصوص اصل برائت و آثار آن انجام شده، ولی در مورد اماره مجرمیت به خصوص مبانی و چرایی تقدم آن بر اصل برائت تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته است. با توجه به این خلأ، هدف نگارنده نیز تبیین و ارائه پاسخ مناسب به پرسش‌ها و ابهامات موجود مطرح شده است.

در این تحقیق ابتدا مفهوم و تعریف اصل برائت کیفری و اماره مجرمیت و سپس مبانی و چرایی عدول از اصل برائت (اماره مجرمیت) مطالعه و بررسی شده و سرانجام، نتیجه کلی بحث در قسمت پایانی ارائه گردیده است.

۱. مفهوم و تعریف اصل برائت کیفری

از نظر اصولی، اصل چیزی است که بدون ملاحظه کشف از واقع و صرفاً برای تعیین تکلیف در مواقع شک و تردید حجت شناخته شود؛ اعم از اینکه مثبت حکم باشد یا موضوع. برای مثال، هرگاه در تحریم عملی تردید کنیم، مانند اینکه ندانیم سیگار کشیدن حلال است یا حرام، با کمک اصل برائت به عنوان یکی از اصول عملیه حلیت آن را ثابت می‌کنیم (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۸۱). اصل برائت در اصطلاحات فقهی عبارت است از گرایش به طرف نفی الزام قانونی و عدم تعهد و تکلیف و آزادی اراده در موقع برخورد با شک در تکلیف (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۰۷). با توجه به اهمیت اصل برائت و تأثیر آن در تحقق عدالت و تحکیم ارزش‌های انسانی در قرآن مجید، آیات متعددی به صورت صریح و ضمنی به این موضوع پرداخته است که از آن جمله می‌توان به آیه ۱۵ سوره اسراء^۱، آیه ۷ سوره طلاق^۲ و آیه ۱۱۵ سوره توبه^۳ اشاره کرد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۶۹). درواقع اصل یادشده بیانگر این

۱. مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدَى لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبَيِّنَ رَسُولًا.

۲. لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفِيقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا.

۳. وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

قاعده کلی است که هیچ فردی نباید محکوم به ارتکاب جرمی شود؛ مگر اینکه مقام تعقیب اتهامش را ماورای یک شک و تردید معقول به اثبات برساند (بلک، ۱۹۹۰: ۱۱۸۶).

در مورد اصل برائت در حقوق، اصطلاحاتی مانند اصل برائت کیفری، فرض بی‌گناهی متهم، فرض بی‌گناهی^۱ در حقوق کیفری و فرض برائت به کار رفته است. در حقوق کیفری، اصل برائت متضمن بی‌گناهی همه متهمان تا زمان اثبات جرم آنهاست. اصل برائت کیفری در اصل ۳۷ قانون اساسی^۲ و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۳ مصوب ۱۳۹۲ش نیز تصریح شده است. به موجب اصل برائت هیچ کس مجرم نیست مگر اینکه جرم وی ماورای هرگونه شک و شبهه معقول اثبات شود. اما با وجود اعمال اصل برائت در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، در موارد خاصی از اعمال این اصل عدول می‌شود.

اصل برائت که یکی از ارکان اساسی عدالت عملی در حقوق کیفری است، به عنوان ابزار مصنوعیت متهم در برابر خطا و اشتباه مقام تعقیب در فرایند کیفری و از جمله تدابیر قانونی تلقی می‌شود. بنابراین می‌توان اصل برائت را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دادرسی عادلانه هم در مرحله تقنینی و هم در مرحله اثباتی (قضایی) در سطح جهان پذیرفت. در مجموع می‌توان اصل برائت را این گونه تعریف کرد: اصلی که در پرتو آن همه بی‌گناه فرض می‌شوند؛ مگر اینکه گناهکاری (مجرمیت) وی به موجب قانون و حکم دادگاه صالح پس از سنجش و ارزیابی دلایل معتبر قانونی اثبات گردد. به این ترتیب، مفهوم اصل برائت این است که چنانچه اتهامی متوجه شخص گردد، آن فرد بی‌گناه است و تکلیفی هم به اثبات بی‌گناهی خود ندارد.

.innocence presumption

۲. «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۳. «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

۲. اماره مجرمیت^۱ (عدول از اصل برائت)

اماره^۲ در لغت به معنای نشانه و علامت آمده و جمع آن امارات است (عمید، ۱۳۶۹: ۲۳۰) و امارات، آن دسته دلایلی هستند که مبنای حجیت آن‌ها این است که نوعاً کاشف از واقع می‌باشند و به همین ملاک نیز از سوی شارع حجیت یافته‌اند؛ اعم از اینکه واقع حکمی بوده (اماره حکمی) یا آنکه از موضوعات (امارات موضوعیه) باشند (محقق داماد، ۱۳۷۰: ۲۳).

شیخ انصاری در خصوص طریق یا سبب بودن اماره، نظریه‌ای میانی انتخاب و از آن با عنوان «مصلحت سلوکی» یاد کرده است. طبق نظر وی، در پیروی از اماره- نه در خود عمل- مصلحتی الزام‌آور وجود دارد که مصلحت ازدست رفته را جبران می‌کند (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۱۵). با وجود اماره و حتی احتمال وجود آن و امکان فحص، رجوع به اصل عملی جایز و صحیح نیست. رجوع به اصل عملی، تنها در صورت نبودن اماره یا یأس از پیدا کردن آن جایز است. بین اماره کیفری و امر نامعلوم (مجهول) رابطه‌ای است که از طریق همین رابطه و پل ارتباطی، قاضی می‌تواند جرم واقع شده (مجهول) را کشف، روشن و تجزیه و تحلیل کند. به‌طور کلی اماره کیفری وسیله‌ای معلوم و محسوس برای هدایت و دلالت و راهگشای کشف واقع می‌شود و این ویژگی، اماره کیفری را از دیگر ادله اثبات دعوی متمایز می‌سازد.

اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود (ماده ۱۳۲۱ ق.م). بنابراین امارات به دو دسته امارات قانونی و امارات قضایی تقسیم می‌شود. امارات قانونی اماراتی است که قانون‌گذار به‌صراحت آن را دلیل بر امری قرار داده باشد؛ مانند ماده ۳۵ قانون مدنی که تصرف به‌عنوان مالکیت را دلیل مالکیت دانسته است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. اماره تا زمان اثبات خلاف آن اعتبار دارد. امارات قضایی اماراتی است که به نظر قاضی واگذار شده و اوضاع و احوالی است که در خصوص مورد باشد (برخلاف امارات قانونی که کلیت و عمومیت دارد) و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند (ماده ۱۳۲۴ ق.م).

. criminality presumption
. presumption

مفهوم اماره قانونی در حقوق کیفری تقریباً همان تعریف ارائه شده از اماره در ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی است. با وجود این، می توان اماره قانونی در حقوق کیفری را این گونه تعریف کرد که عبارت است از اماره ای که به باور قانون گذار دلیل یا نشانه امر مجهولی است و قاضی کیفری را در فرایند دادرسی کیفری و اجرای حکم برای اتخاذ تصمیم مقتضی و مبتنی بر قانون یاری می رساند (اکبری و انصاری مقدم، ۱۳۹۱: ۳). در حقوق کیفری ایران امارات قانونی را می توان به یک اعتبار به امارات قابل رد و امارات غیرقابل رد تقسیم کرد. این تقسیم بندی صورت دیگری است از تقسیم اماره قانونی به مطلق و نسبی در حقوق خصوصی. اماره قانونی مطلق، اماره ای است که دلیلی برخلاف آن پذیرفته نیست (اماره غیرقابل رد) و اماره نسبی آن است که اعتبار آن منوط به عدم اثبات خلاف آن است (قابل رد). در حقوق کیفری برعکس حقوق خصوصی مصادیقی از امارات مطلق (غیرقابل رد) وجود دارد. اماره مجرمیت در عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و پول شویی، قاعده لوث در جنایت^۱، مسئولیت ناشی از فراخواندن شبانه و مشکوک دیگری از محل اقامتش^۲، عضویت در دسته یا جمعیتی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور^۳ از جمله امارات کیفری نسبی یا قابل رد هستند که متهم با ارائه دلیل می تواند بی گناهی خود را ثابت نماید. در خصوص امارات کیفری مطلق یا غیرقابل رد می توان به مصادره کل اموال در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ش، ضبط اموال افراد مرتبط با گروه های محارب که از کشور خارج شده اند^۴،

۱. ر.ک. به مواد ۳۱۲ تا ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش.

۲. به موجب ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش: «هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برباید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است. تبصره هرگاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می شود».

۳. ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تنزیرات) مصوب ۱۳۹۲ش: «هرکس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد، مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است».

۴. در ماده ۱۱ آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی آمده است: «اموال افرادی که از کشور خارج و رابطه آنها با گروه های محارب (گروه های یاعی، صهیونیست ها و جواسیس سیا و مانند آنها) احراز شود از امان خارج و به حکم دادگاه ضبط می گردد. تبصره: انتقال اموال موروثی به ورثه مشروط بر این است که همکاری ورثه با گروه های مذکور احراز نشود».

رانندگی بدون گواهینامه^۱ و جرائم خلافی اشاره کرد.

عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان‌آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی گردیده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل شده است و در نتیجه با عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش‌های استثنایی دادرسی متوسل می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۱). ضمن اینکه باید به این نکته مهم توجه داشت که در راستای رعایت عدالت، حفظ نظم عمومی و حقوق افراد جامعه، اصل برائت همچنان باید به‌عنوان عنصر اساسی در فرایند کیفری باقی بماند و عدول از آن و تقدیم اماره مجرمیت امری استثنایی و فقط به‌موجب قانون قابل توجیه است و در این صورت نیز باید امکان اثبات خلاف آن برای متهم وجود داشته باشد.

منطق مطرح‌شده برای توجیه معکوس شدن بار اثبات معمولاً متشکل از یک یا چند استدلال است؛ یکی این است که منظور از آن بهبود موقعیت فرد قربانی یک عمل خاص (شاکلی) باشد. چنین کاری به‌خصوص در صورتی است که اعمال قاعده کلی در مورد تقسیم بار اثبات باعث می‌شود فرد قربانی در معرض مشکلات غیرمنطقی قرار بگیرد؛ برای مثال به دلیل پیچیدگی‌های فنی و یا سازمانی فعالیت‌های متهم است که اثبات حقایق دشوار می‌شود. دلایل دیگر استفاده‌شده شامل این ایده است که شخصی که از یک فعالیت خاص نفع می‌برد باید همچنین بارهای اضافی مربوط به آن فعالیت را نیز به‌عهده بگیرد (تئوری سود) و همین‌طور ایده هدایت مسئولیت در یک جهت خاص، ایده ترویج تأثیرات پیشگیرانه (فرم شدیدتر) مسئولیت، و ایده نیاز به حفاظت از حقوق اساسی در معرض خطر مورد توجه قرار می‌گیرد (گیسون، ۲۰۰۸: ۵۲).

۱. ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «هرکس بدون گواهی‌نامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهی‌نامه مخصوص است، بنماید و هم‌چنین هرکس که به‌موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد، برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد».

امارات مجرمیت یا مسئولیت بر اساس وجود عوامل خارجی، قرائن و نشانه‌های عینی، مجرمیت شخص متهم را مفروض می‌انگارند و به همین علت از آن‌ها با عنوان امارات مجرمیت یا فروض مجرمیت یاد می‌شود. سازوکار عمومی این امارات بر مبنای فرض وجود یکی از عناصر مادی یا معنوی جرم استوار است؛ چراکه عنصر قانونی باید به‌طور منجز و دقیق وجود داشته باشد. این امارات این اثر را به‌دنبال دارند که تکلیف اثبات عنصر مادی یا معنوی جرم را از مقام تعقیب سلب می‌کند و اثبات هرگونه ادعای خلاف آن را برعهده متهم می‌گذارد. در این روش‌ها، بار اثبات دلیل جابه‌جا می‌شود و با تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت، اثبات برعهده متهم گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، برعهده شخص متهم است که تحقق نیافتن عنصر مادی یا معنوی را به‌اثبات برساند. متهم باید برای واقع نشدن جرم به ارائه دلیل بپردازد و اینجاست که انقلاب دعوی کیفری حاصل می‌شود.

۳. مبانی اماره مجرمیت

مبانی و چرایی عدول از اصل کلی برائت و معکوس شدن بار اثبات در بعضی از جرائم، قسمت دیگر این تحقیق است که در زیر به موارد مهم آن پرداخته می‌شود. ضمن اینکه بعضی از این مبانی تا حدودی با همدیگر ارتباط و هم‌پوشانی دارند، ولی به‌طور مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱.۳. ضرورت حفظ مصلحت و منفعت اجتماعی (نظم عمومی)

نظم عمومی مدلول مقرراتی است که ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید در آن حمایت جدی شود. پس برای حفظ آن، هرگونه اقدام الزام‌کننده و یا بازدارنده، به‌جا و شایسته خواهد بود. پس لزوم حمایت از منافع و حیثیت جامعه، مقتضی حفظ آن است (هاشمی، ۱۳۸۸: ۵۰۳). مفاهیم نفع عمومی، اخلاق حسنه و امنیت اجتماعی نیز از مؤلفه‌های نظم عمومی تلقی می‌شوند^۱ (منصوریان، ۱۳۹۴: ۶). اصولاً حقوق و آزادی‌های فردی تا زمانی مورد حمایت قرار دارد که با حقوق و آزادی‌های فرد دیگر و یا نظم عمومی

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. به صفحات ۹-۶

اجتماع در تعارض قرار نگیرد (استوارت میل، ۱۳۶۳: ۱۹۱). با ملاحظه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز قوانین داخلی کشورها، به نظر می‌رسد به همان نحو که با تراحم بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حقوق اشخاص در فرایند داری‌های کیفری، قائل به تحدید حق آزادی بیان هستیم، چنانچه وضعیتی حادث شود که حفظ منافع و مصالح عمومی اقتضای اعمال محدودیت بر حق بی‌گناهی و حق حفظ حریم خصوصی را بنماید، بتوان به‌طور کاملاً محدود و استثنایی اعمال این محدودیت‌ها را قابل قبول دانست^۱ (خاکزاد، ۱۳۸۹: ۳۱). در مواردی که منافع اجتماعی به منافع فردی ترجیح بیشتری یابد و فرض بی‌گناهی به‌طور مطلق در نظر گرفته شود و نتوان آثار آن را تحدید نمود، به نحوی که متهم در پناه فرض بی‌گناهی بتواند آسیب شدید و تهدید جدی علیه منافع افراد و یا جامعه وارد کند، بار اثبات دلیل معکوس می‌شود (موحدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

البته باید توجه داشت که هر نفع عمومی مجوز عدول از اصل برائت نیست و تنها در مواردی که نتوان نفع عمومی را به‌گونه دیگری تأمین کرد، عدول از اصل یادشده امکان خواهد داشت. در برخی موارد باید بین نفع عمومی و نفع متهم تناسبی برقرار شود و اگر منافع اجتماعی بر منافع فردی برتری بیشتری یابد، در صورتی که متهم در پناه اصل برائت بتواند امنیت عمومی را به مخاطره اندازد، در این حالت ممکن است بار اثبات معکوس شود. برای مثال در حقوق انگلستان، به نظر لرد استین^۲ برای عدول از اصل برائت لازم است تناسب رعایت شود و برای احراز تناسب باید معیارهایی از جمله شدت فعل ارتكابی^۳، اهمیت جرم^۴، توجیه دقیق قرار دادن بار اثبات برعهده متهم^۵ و درجه مشکلی که ممکن است متهم برای رهایی از بار اثبات با آن روبرو شود^۶، وجود داشته باشد (رحمدل، ۱۳۸۷: ۵۷۷).

۱. برای نمونه بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص قابل تعدیل بودن حق حریم خصوصی افراد طی شرایطی مقرر می‌دارد: «در اعمال این حق مراجع عمومی هیچ مداخله‌ای نخواهند کرد مگر طبق قانون و در جامعه دموکراتیک آنچه برای منافع امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد».

3. lord Styn

4. The gravity of the conduct

. The seriousness of the offence

. the precise justification for placing the burden on the accused

. The degree of difficulty that accused may have in discharging that burden

مبانی مربوط به مصلحت اجتماعی و منافع عموم در بطن عدالت کیفری نهفته است؛ یعنی همان‌گونه که استفاده از امارات قانونی به دلیل رعایت عدالت کیفری است، رعایت مصلحت اجتماعی نیز به عدالت کلی کمک شایانی خواهد کرد (اکبری و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۵۶)؛ چنان‌که برخی معتقدند در موارد خاصی که وجود قرآنی ظن ارتکاب جرم از سوی متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۱). مصالح و منافع اجتماعی‌ای که موجب عدول از اصل برائت می‌شود (تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت)، در حقوق هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در عین حال در موارد جرائم سازمان‌یافته و تطهیر پول و سرمایه‌های مشکوک و مظنونی که ممکن است ناشی از این‌گونه جرائم باشند، با توجه به اینکه این‌گونه اموال ممکن است اقتصاد دولت‌ها را به خطر بیندازد، توازن اقتصادی کشورها را از طریق جابه‌جایی سرمایه‌ها به هم بزند و در نتیجه موجبات شکست اقتصادی کشورها را فراهم آورد، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در قوانین کشورهای توسعه‌یافته و اسناد بین‌المللی امری پذیرفته شده است.

در بستر جرائم سازمان‌یافته و تغییر گفتمان حقوق کیفری عدالت‌محور و شهروندمدار به سمت حقوق کیفری دشمن‌مدار، نظام عدالت کیفری به برقراری نظم و احیای امنیت در جامعه و عدالت اجتماعی بیشتر از عدالت فردی توجه می‌نماید. بنابراین، گاه توجه به امنیت در اجتماع به‌واسطه شدت و اهمیت جرائم باعث می‌شود از اصول و قواعد پذیرفته‌شده در فرایند دادرسی مانند اصل مشروعیت تحصیل دلیل یا اصل برائت و یا اصل عدم تعرض به حریم خصوصی افراد عدول گردد (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۳۶۴).

بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که تهدیدی که فساد اداری بر بسیاری از کشورها تحمیل می‌کند به‌عنوان توجیهی برای تعلیق برخی حقوق فردی از جمله اصل برائت عمل می‌کند. این واقعیت که استثناهای قانونی در مورد اصل برائت شناخته شده است، نشان می‌دهد که این اصل دیگر یک قاعده مطلق تلقی نمی‌شود. در مواردی که دادگاه ملزم به برقراری تعادل بین منافع اجتماعی است، دادگاه حقوق بشر اروپا و همچنین تعدادی از دادگاه‌های ملی به‌دنبال تفسیری از اصل برائت هستند که می‌تواند موازنه عادلانه‌ای بین

منافع گسترده‌تر جامعه و حفاظت از حقوق اساسی افراد برقرار کند (کوفل کال، ۲۰۰۶: ۹۲۶-۹۲۴). در تقابل حقوق افراد مظنون یا متهم با منافع جامعه این امکان وجود دارد که در شرایط استثنایی محدودیت‌هایی بر آن‌ها وارد شود. در تزامن بین این حقوق در دادرسی‌های کیفری، برقراری توازن شرط است که اولاً موارد آن از سوی قانون تصریح گردد، به‌نجوی که هرگونه مداخله‌ای در حقوق افراد درگیر، مینا و مجوز صریح قانونی داشته باشد. دوم اینکه به دلیل گستردگی معیار منافع عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از آن، دامنه آن بسیار محدود شده، به اهدافی همچون امنیت ملی و سلامت و آسایش عمومی جامعه منحصر گردد. سرانجام اینکه بتوان در شرایط کاملاً استثنایی، اعمال محدودیت‌هایی در برخی آثار آن از جمله قرار دادن بار اثبات دعوا برعهده مظنون یا متهم را برای حفظ منافع عمومی توجیه‌پذیر دانست (خاکزاد، ۱۳۸۹: ۳۸).

در موارد عدول از اعمال اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت، لازم است امکانات مناسب برای متهم به‌منظور دفاع از خود فراهم گردد. به‌عنوان یک حق برای متهم، او بی‌گناه فرض می‌شود تا زمانی که جرم وی با استانداردهای لازم برای اثبات جرائم از سوی دادستان به‌اثبات برسد و این تضمینی برای تمامی متهمان است. اما برای پیشبرد منافع عمومی و در تضاد و درگیری بین دو مجموعه از حقوق، یکی حقوق فردی و دیگری حقوق جمعی، باعث شده است که در برخی از جرائم مهم که بیشتر با حقوق جمعی در ارتباط است، با تغییر بار اثبات بر روی دوش فرد متهم، از او خواسته می‌شود تا برای رد گناهکار بودن خود به ارائه دلیل بپردازد.

۲.۳. ضرورت تسهیل اثبات جرائم پیچیده و خطرناک

با گذشت قرون و اعصار مختلف و پیشرفت علم و تکنولوژی و تأثیرات فراوان آن در جنبه‌های مختلف زندگی بشری، مجرمان نیز از پیشرفت علم و تکنولوژی در جهت رسیدن به اهداف مجرمانه خود نهایت استفاده را برده‌اند و این موضوع موجب بروز و ظهور جرائم سازمان‌یافته فراملی شده است. چون ماهیت بعضی از جرائم و اهمیت و شدت آنان از منظر میزان اختلال در نظم با دیگر جرائم یکسان نیست، در نتیجه با توجه به تنوع جرائم و

پیچیدگی خاص جرائم جدید آن هم از نوع سازمان یافته (فراملی) باید از آیین دادرسی اختصاصی و افتراقی که یکی از مؤلفه‌های آن معکوس نمودن بار اثبات در برخی از موارد است، برخوردار باشد.

معکوس کردن بار اثبات دلیل در فضای اندیشه‌ای مربوط به عجز سیستم عدالت کیفری در کنترل و نظارت بر جرائم سازمان یافته متولد شده است.^۱ بر این اساس، برخی از نویسندگان از عبارت شرکت سهامی ارتکاب جرم در این قلمرو استفاده کرده‌اند (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). پیچیدگی ارتکاب برخی از جرائم که به نوبه خود پیچیدگی اثبات وقوع جرم را به دنبال داشته، قانون‌گذاران را به معکوس کردن بار اثبات واداشته است؛ به نحوی که در مورد عواید حاصل از جرائم مواد مخدر کنوانسیون ۱۹۸۸ م سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان به دولت‌ها توصیه کرده است که با رعایت اصول حقوق اساسی خود بار اثبات را معکوس کنند (رحمدل، ۱۳۸۷: ۸ و ۷). اثبات مجرمیت بزه‌کاران سازمان یافته یا تعقیب و شناسایی اعضای سازمان‌های مجرمانه که اغلب فراملی است، باعث شده است که اقدامات مقامات انتظامی و قضایی دشوار گردد. لذا در این حوزه با رعایت اصول دادرسی عادلانه اصل برائت جای خود را به اماره مجرمیت داده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). توجه به حفظ امنیت ملی و بین‌المللی به واسطه شدید بودن آثار جرائم سازمان یافته سبب شده است تا اصول و قواعد پذیرفته شده در فرایند دادرسی حقوق جزای کلاسیک مانند اصل برائت و اصل مشروعیت تحصیل ادله تا حدی متزلزل شود و از آن‌ها به نفع حمایت از منافع عامه و دولت‌ها عدول گردد (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۴۲۶). از جمله مهم‌ترین موارد عدول از اصل برائت که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی برخی کشورهای پیشرفته پذیرفته شده، وجود ثروت‌ها و سرمایه‌های مشکوک است که ظن تحصیل آن‌ها از طریق فعالیت‌های مجرمانه می‌رود. در چنین مواردی بار اثبات معکوس شده، بر متهم است که مشروعیت منشأ این ثروت‌ها را اثبات کند.

عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که اولاً ارتکاب جرم موجب آسیب

۱. ماده ۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ۱۹۸۸ م (کنوانسیون وین).

شدیدی به جامعه شده، یا تهدیدی جدی علیه آن‌ها باشد. دوم، اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان‌پذیر نباشد (سرمرست بناب، ۱۳۸۷: ۱۸۴)؛ برای مثال می‌توان به عضویت در سازمان‌های تروریستی یا سازمان‌های مخالف دولت اشاره کرد. صرف عضویت در این سازمان‌ها دلیل بر علم و آگاهی اعضا از ماهیت و اهداف سازمان است. متهمی که مدعی جهل و عدم آگاهی از اهداف سازمان باشد، بایستی آگاهی نداشتن خود را اثبات نماید. بنابراین در جرائمی که خطر و آسیب و تهدیدی جدی برای منافع جامعه وجود دارد، می‌توان در صورت وجود شواهد و نشانه‌هایی که ارتكاب جرم از سوی متهمان را محتمل می‌داند، آن‌ها را به دلیل اینکه خطر، آسیب و تهدید شدیدی برای جامعه شمرده می‌شوند، مجرم فرض نمود و اماره مجرمیت را در مورد آن‌ها جاری کرد؛ مگر اینکه آن‌ها بتوانند خلاف آن را ثابت کنند.

۳.۳. ضرورت ایجاد تناسب و توازن بین طرفین دعوی (تساوی سلاح‌ها)

اصل تساوی سلاح‌ها^۱، یکی از ارکان تضمین محاکمه عادلانه به‌شمار می‌آید. این اصل مرجع قضایی را مکلف می‌سازد تا اطمینان حاصل نماید هیچ‌یک از اصحاب دعوی در مقام بیان مطالب و دفاعیات خویش در موقعیتی نابرابر با دیگران قرار نداشته باشد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۵۴۳). از آنجا که در فرایند دادرسی کیفری، مقام تعقیب به‌عنوان مدعی العموم (طرف دعوا) در برابر متهم از اقتدار خاصی برخوردار است و به‌راحتی می‌تواند از قوای عمومی و سایر تضمین‌ها استفاده نماید و طرف دیگر دعوا (متهم) در چنین موقعیتی نیست، لذا اصل برائت کیفری به‌عنوان یک تضمین برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها و ایجاد تعادل و توازن قدرت میان طرفین دعوا وضع گردید (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۸).

تساوی سلاح‌ها به معنای برابری امکانات طرفین رسیدگی حقوقی یا کیفری در دفاع از خود است. طرفین دعوا باید از امکانات برابر برخوردار باشند. حساسیت این موضوع در دعاوی کیفری بیش از دعاوی مدنی است. اهمیت این حق به اندازه‌ای است که می‌توان گفت دادرسی عادلانه بدون آن امکان‌پذیر نیست.

کمیسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص تساوی سلاح‌ها چنین تصمیم گرفته است: «انصاف اقتضا می‌کند که هریک از اصحاب دعوی بتوانند از خود چه در امور کیفری و چه در امور غیرکیفری چنان دفاع نمایند که آنان را در کل روند دادرسی نسبت به طرف دیگر به‌گونه‌ای غیرعادلانه در وضعیت نامساوی قرار ندهد» (آشوری، ۱۳۹۲: ۱۱۲). به این ترتیب، برابری طرفین یک جزء اساسی ساختار توافقی دادرسی است که بر مفهوم محاکمه عادلانه به‌عنوان نزاعی بین دو طرف استوار است. طبق این رویکرد برای هر دو طرف دادرسی داشتن حقوق مساوی اجتناب‌ناپذیر است. در غیر این صورت، مبارزه منصفانه‌ای میان دو معارض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهند شد. بنابراین، این اصل دوطرفه است و مقام تعقیب نیز حق دارد در موضع نامساعدی در مقایسه با متهم نباشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

اما باید توجه داشت که لزوماً همیشه ابزار و امکانات و سلاح‌هایی که متهمان در مقام دفاع از خود در اختیار دارند، ضعیف‌تر از ابزار و امکانات و سلاح‌های مقام تعقیب نیست، بلکه در برخی موارد ممکن است با توجه به قدرت و ثروت و نفوذ بعضی از متهمان در جرائم خاصی، سلاح‌ها و ابزار و امکانات متهمان حتی بیشتر و قوی‌تر از سلاح‌ها و ابزار و امکانات مقام تعقیب باشد. لذا در راستای برقراری توازن و تساوی سلاح‌های دفاعی مقام تعقیب و متهم برای اجرای دادرسی منصفانه و عادلانه، معکوس نمودن بار اثبات دلیل ضروری می‌نماید. به عبارت دیگر در شرایط و احوال خاصی که مقام تعقیب نسبت به متهمان در موضع ضعف قرار دارد و متهمان از ابزار و سلاح‌های قوی‌تر و نیز قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی بالایی برخوردارند و در اصطلاح از آن به قدرتمند شدن مجرمان در برابر دولت تعبیر می‌شود، مقام تعقیب در اثبات جرم با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد و اثبات جرم در عمل غیرممکن و یا بسیار دشوار خواهد بود. مسلماً برای تحقق دادرسی عادلانه هر دو طرف باید ابزار و امکانات و سلاح‌های تقریباً مساوی در اختیار داشته باشند و مقام تعقیب هم حق دارد که در موضع ضعیف‌تری نسبت به متهم قرار نداشته باشد و در صورتی که در شرایط ضعیف‌تری قرار گیرد، می‌تواند با استفاده از ابزارهایی که قانون در اختیار مقام تعقیب قرار خواهد داد، توازن و تعادل را برقرار نماید و یکی از این ابزارها می‌تواند استفاده از اماره مجرمیت باشد.

۴.۳. ضرورت توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص

اوضاع و احوال محیط بر جامعه (شرایط عادی) بیانگر آن است که هیچ کسی مجرم نیست مگر اینکه ادعای مربوط به ارتکاب جرم با دلیل مشروع به اثبات برسد. به عبارت دقیق تر، عقل حکم می کند که متهم به ارتکاب جرم بی گناه تلقی شود تا مدعی ادعای خود را اثبات کند. مبنای حکم نیز اوضاع و احوالی است که افراد انسانی در آن زندگی می کنند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت در مواردی که اوضاع و احوال دگرگون شود (شرایط غیرعادی) عقل نیز به نحو دیگری حکم خواهد کرد. قانون گذار نیز با توجه به اوضاع و احوال موجود در برخی جرائم، فرض بی گناهی را تحدید و بار اثبات را معکوس می کند (رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۴۵). فرض بی گناهی عقلی و منطقی است و قانون گذار با توجه به وضعیت غالب افراد جامعه و اینکه اساساً اصل بر عدم ارتکاب جرم است، فرض را بر بی گناهی قرار داده است. عقل حکم می کند که متهم به ارتکاب جرم بی گناه تلقی شود تا مدعی ادعای خود را اثبات کند. مبنای حکم عقل نیز اوضاع و احوالی است که افراد انسانی در آن زندگی می کنند (موحدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

همچنان که شرع اصل برائت را پذیرفته است، عقل نیز آن را می پذیرد و این همان حکومت قاعده تلازم عقل و شرع است؛ چراکه هرچه عقل به آن حکم کند، شرع نیز به آن حکم می نماید و به عکس هرچه را شرع به آن صحه می گذارد، عقل نیز به آن حکم می کند (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۰۳). بنابراین، محل اجرای اصل برائت در شرایط و اوضاع و احوال عادی جامعه است و با تغییر شرایط می توان اصل برائت را تحدید و تعدیل نمود. یکی از این شرایط و اوضاع و احوال خاص و استثنایی و غیرعادی را می توان ارتکاب جرائم مهم و خطرناک و پیچیده ای دانست که آسیب های فراوان و جبران ناپذیری به منافع و مصالح اجتماعی وارد می کند. در بعضی از جرائم سازمان یافته مثل تحصیل اموال و عواید ناشی از پول شویی و قاچاق مواد مخدر به سبب اینکه امکان اثبات مشروعیت منشأ اموال و عواید به دست آمده برای مقام تعقیب، مشکل یا محال است، بنابراین در این موارد استثنایی

۱. «کما حکم به الشرع حکم به العقل و کما حکم به العقل حکم به الشرع».

می‌توان به حکم عقل و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص این‌گونه جرائم، آن هم در صورت وجود قراین و نشانه‌های محکمی که ظن ارتکاب جرم از سوی متهم را به‌وجود می‌آورد، در راستای جبران ضعف دادستان در ارائه دلیل و برقراری قاعده تساوی سلاح‌ها، بار اثبات دلیل را معکوس و اماره مجرمیت را جاری نمود.

۵.۳. اقتضای عدالت کیفری

قانون ایستا نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و به طریق اولی چنین قانونی صرفاً نظاره‌گر عدالت است، نه حامی آن. قانون پویا توانایی و قابلیت جذب داده‌های تازه را دارد، ولی قانون ایستا از چنین امتیازی برخوردار نیست (نوربها، ۱۳۸۳: ۸۰۶). برای تحقق عدالت کیفری باید از قوانین شکلی استمداد جست (آشوری، ۱۳۷۶: ۳). عدالت کیفری به معنای واقعی کلمه زمانی میسر خواهد بود که هیچ بی‌گناهی به ناحق مجازات نشود و هیچ مجرمی نتواند از چنگ مجازات فرار کند و چنانچه یکی از این دو مهم مختل گردد، حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص یا نظم و امنیت جامعه نیز متزلزل خواهد شد.

جعل امارات به‌خصوص امارات قانونی در حقوق کیفری به‌منظور دستیابی به عدالت است. امارات قانونی را قانون‌گذار با هدف اجرای عدالت جعل می‌کند چون‌که بنابه یک نظر، عدالت تنها قضاوتی راجع به قانون نیست، بلکه عدالت جزئی جدانشدنی از قانون بوده و هست (داماتو، ۱۳۸۲: ۳۴۰). هرگاه توازن میان منافع و حقوق و تکالیف استقرار یافته در جامعه مورد تجاوز قرار گیرد، چهره‌ای از عدالت برای رفع تجاوز نمایان می‌شود که می‌توان آن را عدالت کیفری نامید (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۴: ۹). به عبارت دیگر، همان‌طور که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند در صورت نبود دلیل، به برائت و بی‌گناهی متهم حکم داده می‌شود، در موارد خاصی نیز وجود قراینی ظن ارتکاب جرم از سوی متهم را تقویت می‌کند. اقتضای عدالت حقوقی و مصالح اجتماعی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

در برخی از جرائم، قدرت و نفوذ و امکانات دفاعی بعضی از متهمان بیشتر و حتی قوی‌تر از مقامات تعقیب و تحقیق است، در این شرایط و اوضاع و احوال می‌توان گفت کفه

ترازو به نفع متهمان سنگین است و دادستان نسبت به متهم در موضع ضعف قرار دارد و در تعقیب متهمان و اثبات جرائم با مشکلاتی مواجه خواهد شد؛ چه بسا وجود چنین وضعیتی، موجبات بلاتعقیب ماندن متهمان و در نتیجه تضییع حقوق و منافع جامعه به دلیل اختلال در نظم و امنیت را فراهم خواهد آورد. در چنین مواردی عدالت کیفری اقتضا می‌کند که در راستای برقراری توازن و دادرسی منصفانه در صورت وجود قراین ارتکاب جرم از سوی متهمان، اصل برائت محدود شده، بار اثبات جرم معکوس گردد. اقتضای عدالت کیفری، تعقیب و مجازات مجرمانی است که با سوءاستفاده از نفوذ و امکانات خود و همچنین ضعف مقامات تعقیب در جمع‌آوری دلایل، حریم امنی برای خود و همدستان خود برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات ایجاد می‌کنند. لازمه اجرای عدالت کیفری در این موارد، عدول از اصل برائت و استقرار اماره مجرمیت از طریق معاف کردن دادستان از ارائه دلیل و الزام متهم به اثبات بی‌گناهی خود است. استقرار اماره مجرمیت در بعضی از جرائم پیچیده و خطرناک با فرض وجود قراین ظنی و نوعی دال بر ارتکاب جرم، موجب می‌شود که مرتکبان این جرائم نتوانند به راحتی از چنگ مجازات فرار کنند.

۶.۳. امنیت‌گرایی در تعقیب بعضی از جرائم

دولت‌ها بسته به وضعیتی که در آن به سر می‌برند، موضوع‌ها یا رخدادها را با برچسب امنیتی بودن دنبال می‌کنند. چون امنیت ملی، مرز حساس هر کشور و با پشتیبانی مردم همراه است و دولت‌ها با بردن رخدادها به زیر نام امنیت، آهنگ به دست آوردن پشتیبانی همگانی را دارند (عالی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۰).

تولد پارادایم^۱ و الگوی امنیت‌گرایی در قلمرو حقوق کیفری لیبرال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، افراط‌گرایی و عوام‌فریبی‌های به عمل آمده در خصوص لزوم امنیت‌گرایی، بسترهای تحدید تضمین‌های دادرسی عادلانه در قبال برخی از موارد بزهکاری و بزهکاران را فراهم آورده است (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۱۱). بخش قابل توجهی از منشأ و خاستگاه دادرسی کیفری افتراقی در جرائم تروریستی را باید در سپهر سیاست و نگرش

1. paradigm

سیاستمداران به پدیده بزهکاری و به‌ویژه تروریسم جستجو کرد (میرمحمدصادقی و قدیری، ۱۳۹۴: ۹).

منظور از «امنیتی شدن مقررات کیفری در پرتو اقدام‌های تروریستی» این است که تروریسم به میزان زیادی مقررات را به طرف دفع هرگونه تهدید و تجاوز علیه امنیت ملی سوق داده است و از آنجا که هدف متعالی هر دولت، تضمین توأمان امنیت و آزادی فردی و امنیت ملی و تمامیت سرزمینی است، معیار امنیتی شدن یا گرایش امنیت‌محور مقررات اعم از ملی یا بین‌المللی محدود یا قربانی کردن حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی است (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین مصادیق رویکرد امنیتی در خصوص جرائم تروریستی، تحدید یا تضعیف اصل برائت و در نتیجه حاکمیت اماره مجرمیت در مورد متهمان این جرائم است. به این نحو که متهمان باید در مورد تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی، اتهام همدستی یا هرگونه ارتباط با تروریست‌ها را از خود سلب نموده، ثابت نمایند که هیچ نوع همکاری مالی با آن‌ها نداشته یا از تروریستی بودن اهداف آن‌ها آگاه نبوده‌اند. در مورد تأمین مالی تروریسم از طریق پول‌شویی، برخی از کشورها اشخاصی را که به یکباره در حساب بانکی آن‌ها پول قابل توجهی جابه‌جا شده، مورد سؤال و تحقیق قرار می‌دهند تا شخص در این زمینه شفاف‌سازی نماید؛ در غیر این صورت در مظان اتهام قرار خواهد گرفت. همچنین اگر کسی به عضویت سازمان‌های تروریستی در آید، جرائمی انتسابی به آن سازمان، به نام این شخص نیز منظور خواهد شد؛ مگر اینکه عضو در مظان اتهام، بی‌گناهی خود را ثابت کند.

قوانین ضد تروریسم انگلستان، به‌ویژه قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶م، گرایش به وارونه کردن بار اثبات دارد. طرف‌داران این رویکرد بر این باورند که بار اثبات بی‌گناهی متهم باید برعهده خود وی باشد، زیرا در گام نخست، پیگرد، بازجویی و گردآوری دلایل درباره تروریسم بسیار دشوار است؛ در گام دوم، خطرآفرین و مشکل‌ساز است؛ و در گام سوم، تروریست‌ها اطلاعات زیادی از همدستان خود و سایر گروه‌های تروریستی دارند که با حاکمیت اصل برائت، امیدی به کسب این اطلاعات وجود ندارد. اما اگر بار اثبات (بی‌گناهی)

برعهده متهم قرار گیرد، می‌توان اطلاعات زیادی از تروریست‌ها به‌دست آورد (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸).

جرائم علیه امنیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی قلمداد کرد. در حقوق کیفری ایران در مورد جرم‌انگاری رفتارهای مخل نظم و امنیت عمومی، کفه ترازوی قانون‌گذار به نفع حقوق و منافع حاکمیت در قبال حقوق و آزادی‌های فردی سنگین‌تر جلوه می‌کند و حتی در بعضی از موارد از اصول کلی و مسلم حقوق کیفری عدول شده است. اعطای اختیارات گسترده به مقامات تحقیق و تعقیب اعم از انتظامی و قضایی در راستای کشف و تحقیق در بعضی جرائم، تحدید یا نقض حریم خصوصی افراد، وارد کردن مظنونان به فرایند کیفری و تبعیض میان آن‌ها، تشکیل مراجع قضایی اختصاصی به‌جای مراجع قضایی عمومی، تحدید اصل برائت و معکوس کردن بار اثبات دلیل، مصادیقی از رویکرد امنیت‌محور حاکمیت به دادرسی کیفری در بعضی از جرائم است. البته این امنیت‌گرایی نه بر مبنای سلايق شخصی ماموران انتظامی یا قضایی، بلکه در محدوده مجوز قانون به صورت مصداقی قابل توجیه است؛ در غیر این صورت، استقرار نظم و امنیت، بهانه‌ای برای سلب حقوق و آزادی‌های فردی و در نتیجه زوال دادرسی منصفانه و عادلانه قرار خواهد گرفت. عملکرد دولت ایران و تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ش و مقررات پراکنده موجود حکایت از گرایش امنیت‌محور و در مواردی دشمن‌محور در برخورد با جرائم علیه امنیت ملی به‌ویژه نسبت به اقدامات تروریستی دارد.

۷.۳. واقعیت‌های اجتماعی و رویه قضایی

اصول و قواعد حقوقی از جمله اصل برائت برگرفته از فرهنگ، ارزش‌ها و توقعات افراد یک جامعه است. این اصول و قواعد در عین حال که افکار، عقاید و رفتارها را هدایت می‌کنند، چارچوب نظام حقوقی جامعه را نیز ترسیم می‌سازند. ابعاد فرهنگی و ذهنی اصل برائت کیفری درحقیقت تضمینی برای استقرار امنیت و آزادی در جوامع انسانی است. در صورتی که افراد به‌طور دائم در معرض اتهام و بدگمانی قرار گیرند، امنیت و آسایش روانی

از افراد جامعه سلب می‌شود و برعکس، تکریم استقلال و امنیت افراد موجب رشد و شکوفایی فرد و جامعه می‌گردد (طاهری توبن، ۱۳۹۶: ۲۲). در دوران مدرنیسم می‌توان جلوه‌های الگوی کنترل جرم را در نظام‌های عدالت کیفری مشاهده کرد. به نظر می‌رسد پیش‌فرض اماره مجرمیت در این نظام‌ها برای تضمین الگوی کارایی و با هدف محکوم کردن متهمان و تأمین نتیجه کمی از فرایند کیفری صورت می‌پذیرد^۱. یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده در اتخاذ یکی از دو الگوی کنترل جرم یا دادرسی منصفانه، توجه کنشگران عدالت کیفری به دغدغه‌های افکار عمومی در سیاست‌گذاری‌های جنایی است (قبانچی و دانش ناری، ۱۳۹۱: ۱۷۷). چنانچه به کارگیری الگوی کنترل جرم در بعضی از موارد از سوی کنشگران عدالت کیفری به‌خصوص در مراجع تحقیق و تعقیب اعم از انتظامی و قضایی به صورت استثنایی و مبتنی بر قانون صورت بگیرد، می‌تواند قابل دفاع باشد؛ مثل جرائم امنیتی یا تروریستی و یا اسیدپاشی.

طبق قاعده غلبه^۲، در روابط میان انسان‌ها باید به امور غالب توجه داشت و نه به امور نادر. لذا باید اصل را بر امور غالب گذاشت، زیرا اگر این‌گونه نشود، در روابط بین مردم اختلال ایجاد می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱). امروزه با توجه به واقعیات تلخ اجتماعی که متأسفانه ارزش‌های اخلاقی و انسانی در روابط افراد جامعه کم‌رنگ یا در مواردی رخت بر بسته و بی‌اعتمادی یا حداقل رعایت جانب احتیاط در مراودات تجاری و اجتماعی حکم‌فرما شده است، نگاه مأموران حاکمیت به افراد اجتماع یا افراد به یکدیگر و برعکس، از دیدگاه اصل صحت و برائت، اغراق‌آمیز می‌نماید، لذا تعدیل اصل برائت در فرایند کیفری و در بعضی از جرائم به تبع تغییر اوضاع و احوال و ارزش‌های حاکم بر جامعه قابل توجیه است.

آنچه در واقعیت شاهد هستیم این است که در بسیاری از جرائم، مأموران انتظامی و قضایی برخلاف مقررات، در دستگیری مظنونان یا متهمان و تحقیق یا بازداشت آن‌ها از

۱. الگوی کنترل جرم در فرایند کیفری در مرحله مظنونیت، اماره مجرمیت را به رسمیت می‌شناسد. در مرحله اتهام، توسل به شکنجه و نقض حق سکوت را تجویز می‌کند و در مرحله رسیدگی، به لزوم سرعت‌بخشی به رسیدگی‌های کیفری نظر دارد؛ برخلاف الگوی دادرسی منصفانه که مبتنی بر داوری بی‌طرفانه در تعارضات میان دولت و شهروندان است.

۲. «الظن يلحق الشيء بالاعم الاغلب والنادر كالمعدوم».

اصل مسلم برائت عدول کرده، اماره مجرمیت را جاری می‌سازند و متأسفانه این موضوع، شکل رویه انتظامی یا قضایی به خود گرفته است؛ اگرچه در بعضی موارد چنین اقداماتی برای استقرار امنیت و آرامش در جامعه قابل توجیه است، ولی باید برخلاف عرف غلط، به شکل استثنا و با مجوز قانون و نیز با رعایت کلیه حقوق و آزادی‌های فردی صورت بگیرد.

۸.۳. اصل احتیاط و ناکارآمدی قاعده استصحاب

«اصل احتیاط» به معنای مراقبت از تکالیف واقعی، اعم از وجوب و حرمت و پرهیز از پایمال شدن آن است. مقتضای اصل احتیاط آن است که در مورد احتمال تکلیف به‌گونه‌ای عمل کنیم که به فراغت ذمه یقین حاصل شود. گاه نیز در عرف عام به صورت گسترده به کار می‌رود؛ به این معنا که عقلاً در همه امور خویش از روش احتیاط بهره می‌گیرند تا از خطرهای احتمالی که مال، جان و آبروی آنان را تهدید می‌کند، در امان باشند. اسلام نیز این سیره عقلا را تأیید و پیروانش را در همه امور، اعم از فردی یا اجتماعی، دنیوی یا اخروی به دقت و مراقبت ترغیب کرده است^۱ (صدر، ۱۴۰۵ق: ۱۱۷).

از نظر مبنایی، علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است؛ زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخصی مظنون به ارتکاب جرمی است، مبتنی بر استصحاب عدم ارتکاب جرم و برائت سابق است. البته این در صورتی است که اماره مجرمیت اماره قضایی باشد. اما اگر قانون‌گذار همانند «اماره تصرف» آن را اماره قانونی قرار دهد، در این صورت شکی در تقدم آن بر اصل برائت نخواهد بود؛ حتی اگر اماره یادشده اطمینان‌آور هم نباشد، تنها در صورتی از آن اعراض می‌شود که خلاف آن ثابت شود، زیرا در تعارض میان اماره و اصل عملی همواره اماره مقدم است (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۲۹۷-۲۹۶).

همچنین گفته می‌شود که معکوس کردن بار اثبات لازمه ذاتی اصل احتیاط در برابر پیشرفت‌های تکنولوژیکی و شیمیایی اصل حاضر است و در مورد تکنولوژی و محصولات شیمیایی جدید، به لحاظ خطر آنها باید فرض را بر خطرناکی آنها قرار داد؛ مگر اینکه

۱. «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع».

بی‌خطر بودن آن‌ها اثبات شود^۱. یعنی در جرائم ناشی از پیشرفت تکنولوژی و مواد شیمیایی جانب احتیاط اقتضا می‌کند تا اصل بر خطرناک بودن آن‌ها قرار داده شود و فرض بر علم و عمد و نیت مجرمانه کسی است که با وجود ممنوعیت قانونی، به نحوی در تولید، فروش و به‌کارگیری آن‌ها دخالت می‌کند؛ مگر اینکه به لحاظ معکوس شدن بار اثبات دلیل، مرتکب برای بی‌گناهی خود خلاف آن را اثبات نماید.

۹.۳. ضرورت حمایت از بزهدیدگان خاص

اگر بخواهیم اقدامات و سیاست‌های موردنظر، افزون بر ملاحظات بشردوستانه در مورد بزهدیدگان و وضعیت آن‌ها، بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشد، لازم است پایه‌های حقوقی و اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزهدکار را نسبت به بزهدیده تعیین کنیم (عبدالفتاح، ۱۳۷۱: ۸۹). تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که به بزهدیده آن‌طور که بزهدکار در کانون توجه بوده، توجه و عنایت کافی نشده است. صحبت از بزهدکار آسان‌تر از بزهدیده است، حال آنکه همه افراد در معرض بزهدیدگی قرار دارند (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۵۲).

برخی از نویسندگان از نوعی الگوی حمایت از بزهدیده در چارچوب مراحل چهارگانه سیاست جنایی با عنوان حمایت شکلی آیین دادرسی‌مدار نام برده‌اند که عبارت است از پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق بزهدیده در چارچوب قانون و به‌ویژه مقررات آیین دادرسی جنایی (رایجیان اصل، ۱۳۸۴: ۱۲۶). حمایت از نیازمندان، مظنونان و به‌ویژه بزهدیدگان خاص جزء ارزش‌های جوامع و به تبع آن جزء وظایف حکومت‌هاست. سیاست جنایی کشورها نمی‌تواند از این مهم به بهانه نبود ابزار و امکانات لازم عبور کند؛ چه‌بسا بزهدیدگان خاصی مثل قربانیان تروریسم و اسیدپاشی و یا افراد محجور که تحت شرایط و اوضاع و احوال خاصی قربانی جنایت شده‌اند، در ارائه ادله اثباتی جنایت واقع‌شده علیه خودشان ناتوان و عاجز باشند. در راستای برقراری توازن و تساوی سلاح‌ها بین طرفین، یکی از شیوه‌های حمایت افتراقی از محجوران و بزهدیدگان خشونت که در کنار مقام تعقیب از ارائه دلایل اثباتی جرم عاجز و ناتوان‌اند، معکوس کردن بار اثبات جرم و مکلف نمودن

متهمان به رفع اتهام از خود است.

نتیجه

اصل برائت کیفری یکی از مؤلفه‌های اصلی فرایند کیفری است که به موجب آن همه افراد جامعه بی‌گناه فرض می‌شوند؛ مگر اینکه اتهام آن‌ها به موجب قانون، فراتر از هرگونه شک و تردید معقول در مرجع قضایی صالح احراز شود. با وجود حاکمیت فراگیر اصل برائت در امور کیفری در موارد استثنایی از اعمال این اصل عدول می‌گردد. با تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت، اثبات برائت به عهده متهم گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، بر شخص متهم است که عدم تحقق عنصر مادی یا معنوی را به اثبات رساند. متهم باید برای عدم وقوع جرم به ارائه دلیل بپردازد و اینجاست که انقلاب دعوای کیفری حاصل می‌شود.

منظور ما از اماره مجرمیت در این تحقیق، اماره قانونی نسبی یا مطلق (قابل رد یا غیرقابل رد) است و شامل اماره قضایی که ناشی از تشخیص خود قاضی است نمی‌شود. اموال و ثروت‌های مشکوک، عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و پول شویی، قاعده لوث در جنایت، مسئولیت ناشی از فراخواندن شبانه و مشکوک دیگری از محل اقامتش، عضویت در دسته یا جمعیت یا گروه‌های غیرقانونی با هدف برهم زدن امنیت کشور، از جمله امارات کیفری نسبی یا قابل رد هستند که متهم با ارائه دلیل می‌تواند بی‌گناهی خود را ثابت کند. در مورد امارات کیفری مطلق یا غیرقابل رد می‌توان به مصادره کل اموال در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ ش، ضبط اموال افراد مرتبط با گروه‌های محارب که از کشور خارج شده‌اند^۱، رانندگی بدون گواهینامه^۲ و جرائم خلافی اشاره کرد.

مفهوم اماره مجرمیت یعنی عدول از اصل برائت و در نتیجه معکوس شدن بار اثبات اتهام از مقام تعقیب به عهده متهم است. عدول از اصل برائت و حاکم گردیدن اماره

۱. ماده ۱۱ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی (در پاورقی ص ۴).

۲. ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «هرکس بدون گواهی‌نامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهی‌نامه مخصوص است، بنماید و هم‌چنین هرکس که به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد، برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد».

مجرمیت لزوماً به این معنی نیست که اگر متهم نتواند بی‌گناهی خود را ثابت کند، به‌طور قطع دادگاه وی را به مجازات اتهام انتسابی محکوم خواهد کرد، بلکه با فرض وجود امارهٔ مجرمیت و ناتوانی متهم از اثبات بی‌گناهی خود، دادگاه تا زمانی که فراتر از شک و تردید (اقناع وجدانی) مجرمیت متهم را بر مبنای دلایل و قراین موجود احراز نکند، نمی‌تواند متهم را به مجازات مقرر محکوم نماید و تکلیف متهم در رد امارهٔ مجرمیت و اثبات بی‌گناهی خود تا مرز ایجاد شک و تردید در ذهن دادگاه است، نه اقناع وجدانی دادگاه. ضمن اینکه در راستای رعایت عدالت، حفظ نظم عمومی و حقوق افراد جامعه، اصل برائت همچنان باید به‌عنوان عنصر اساسی در فرایند کیفری باقی بماند و عدول از آن و تقدیم امارهٔ مجرمیت امری استثنایی و فقط به‌موجب قانون قابل توجیه است و در این صورت نیز باید امکان اثبات خلاف آن برای متهم وجود داشته باشد.

ضرورت حفظ مصلحت و منفعت اجتماعی (نظم عمومی)، ضرورت تسهیل اثبات جرائم پیچیده و خطرناک، ضرورت ایجاد تناسب و توازن بین طرفین دعوی، ضرورت توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص، اقتضای عدالت کیفری، امنیت‌گرایی در تعقیب بعضی از جرائم، واقعیت‌های اجتماعی و رویهٔ قضایی، اصل احتیاط و ناکارآمدی قاعدهٔ استصحاب، و ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان خاص، از محورهای مهم مبانی و چرایی عدول از اصل برائت و تقدیم امارهٔ مجرمیت است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. قرآن مجید
۲. استوارت میل، جان (۱۳۶۳)، *رساله درباره آزادی*، مترجم: جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۳. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، *عدالت کیفری ۲* (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
۴. آشوری، محمد (۱۳۷۶)، *عدالت کیفری ۱* (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. اکبری و انصاری مقدم (۱۳۹۱)، اماره قانونی در حقوق کیفری، *دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی*، شماره ۱، ص ۱۸۱-۱۴۳.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ سیزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (بی تا)، *دائرةالمعارف علوم اسلامی قضایی*، جلد ۳، تهران: گنج دانش.
۸. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی کیفری اختصاصی (افتراقی) در جرایم سازمان یافته*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۹. جوانمرد، بهروز (۱۲ تیر ۱۳۹۳)، *امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا*، روزنامه شرق.
۱۰. خاکزاد، محسن (۱۳۸۹)، موازین حقوق بشری و تقابل منافع فرد و جامعه در فرایند کیفری، *مجله پژوهشنامه حقوقی*، شماره اول، ص ۹۰-۴۰.
۱۱. رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۴)، *بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳ و ۵۲، تهران.
۱۲. رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، *معکوس شدن بار اثبات در حقوق موضوعه ایران*، مؤسسه تحقیقات علوم جزائی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.
۱۳. رحمدل، منصور (۱۳۸۷)، *بار اثبات در امور کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، چاپ اول، تهران: نشر

- میزان.
۱۵. سرمست بناب، باقر (۱۳۸۷)، *اصل برائت در حقوق کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۶. شاملو، باقر و مرادی، مجید (۱۳۹۲)، *تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۱، ص ۱۵۹-۱۱۱.
۱۷. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، *اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری*، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری (علوم جنایی)، انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۳۰۲-۲۸۴.
۱۸. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، *سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. شمس ناتری، محمدابراهیم (تابستان ۱۳۸۳)، *جرایم سازمان‌یافته، مجله فقه و حقوق*، سال اول.
۲۰. طاهری توبن، فرید (۱۳۹۶)، *اصل برائت و موارد عدول از آن، سایت حق‌گستر، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی (www.haghgostar.ir)*.
۲۱. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸)، *امنیت ملی و حقوق متهم: مطالعه تطبیقی آئین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی، فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۴۳.
۲۲. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۲)، *امنیت ملی و عدالت کیفری، فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۶۱، ص ۵۸-۸۸.
۲۳. عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۱)، *از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده*، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، شماره ۳.
۲۴. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۴)، *عدالت حقوقی، فصلنامه ندای صادق*، شماره ۱۰.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۶۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ سوم، تهران: چاپ سپهر.
۲۶. قیانچی، حسام و دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، *الگوهای دوگانه فرایند کیفری «کنترل جرم و دادرسی منصفانه»*، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، ص ۱۸۴-۱۶۷.

۲۷. قربانی، علی (۱۳۹۰)، *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپائی حقوق بشر*، چاپ اول، قم: انتشارات حقوق امروز.
۲۸. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، *حقوق کیفری بین‌المللی*، مترجم: حسین پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۲۹. لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، *بزه‌دیده‌شناسی و بزه‌شناسی*، مترجم: روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: انتشارات مجد.
۳۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۰)، *قواعد فقه (بخش مدنی)*، چاپ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۸)، *شرح اصول فقه*، دفتر سوم، چاپ اول، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۲. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، *حقوق کیفری اسلام*، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۳. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، *قواعد فقه*، چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.
۳۴. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۵)، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۵. منصوریان، مصطفی (۱۳۹۴)، *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی و بررسی مفهوم نظم عمومی (گزارش پژوهشی)*، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۳۶. موحدی، جعفر (۱۳۹۳)، *معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۳۷. میر محمدصادقی، حسین و قدیری، رشید (۱۳۹۴)، نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۱۳، ص ۴۱-۹.
۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، *حقوق کیفری در آستانه هزاره سوم، دیباچه در مفاهیم بنیادین کیفری: جورج پی فلچر*، مترجم: سید مهدی سیدزاده ثانی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ص ۲۷-۱۵.
۳۹. نوربها، رضا (۱۳۸۳)، *حقوق جزایی و عدالت کیفری*، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری (علوم جنایی)، انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۸۰۸-۸۰۰.
۴۰. هاشمی، محمد (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲ چاپ نهم، تهران: انتشارات دادگستر.
۴۱. انصاری، مرتضی (۱۳۸۱)، *فرایند الاصول*، جلد ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۴۲. صدر، محمداقبر (۱۴۰۵ق)، *دروس فی علم الاصول*، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: نشر دارالمنتظر.

ب) انگلیسی

33. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, 3th ed , United State, Oxford University, 9999.
44. Black, Henry, *Campell, Blacks Law Dictionary*, 6th ed, United State, West, 0000.
55. Ivo Giesen, *The Burden of Proof and other Procedural Devices in Tort Law*, 8888.
66. NDIVA KOFELE-KALE, *Presumed Guilty: Balancing Competing Rights and Interests in Combating Economic Crimes*, THE INTERNATIONAL LAWYER, WINTER 6666.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی